

در رابطه با بیانیه منتسب به اعلیحضرت

«بمناسبت حضور شرم آور نماینده رژیم تهران در کمیسیون بررسی وضعیت زنان در سازمان ملل متحد»

امیر فیض - حقوقدان

تحریر زیر را تقدیم و امیدوارم شایسته امعان نظر اعلیحضرت و ایرانیاران گرامی قرار گیرد

در بخشی از اعلامیه مزبور که در سایت رضاپهلوی (اعلیحضرت) منتشر شده آمده است:

«شرکت رژیم تهران یک رسوایی و استهزاء برای کمیسیون بررسی وضعیت زنان سازمان ملل است. به نام نسرین ستوده ها، هما دارابی ها و نداها می‌خواهیم که به حضور زن ستیز جمهوری اسلامی خاتمه داده شود وگرنه ما به کشور های عضو کمیسیون مراجعه خواهیم کرد و از آنان خواهیم خواست که استعفادهند و بارژیمی که قاتل امیدها و آرزوها و حقوق اساسی ملیون هازن ایرانی است همراه نشوند»

این قسمت از بیانیه خطاب به کمیسیون بررسی وضعیت زنان سازمان ملل متحد که آن کمیسیون دارای شخصیت حقوقی است، معرف استهزاء، نادانی و سبک فکری بیانیه نویس است، خاصه التیماتومی که به کمیسیون مزبور داده است که خود بحث دیگری است و باید منتظر اقدام ما یعنی التیماتوم دهنده باشیم و بعد اگر حرفی از هزان است در میان آید.

وقتی درخواستی از سازمان و یافردی میشود نخستین موردی که دریافت کننده نامه و یا طرف متقاضی به آن توجه میکند و زیربنای توجه و تصمیم به نامه قرار میگیرد سمت متقاضی است و اگر متقاضی تقاضای شخصی دارد که تکلیفش معلوم و معین است و اگر متقاضی بنام اشخاص و یا گروهی و یا سازمانی درخواستی دارد وظیفه معلوم و معمول و جاری در کار اداری رسیدگی و احراز صلاحیت متقاضی است و اگر احراز صلاحیت ضمیمه درخواست متقاضی نباشد هیچ دستگاہی به آن درخواست اعتباری نمیدهد و حتی اتهام سوء استفاده از نام و شهرت و موقعیت اشخاص هم مطرح میگردد.

در ضرب المثل خودمان که میگوید «نخست برادریت را ثابت کن و بعد ادعای ارث و میراث کن» همین وجود رابطه حقوقی در مطالبه حقوق دیگران مشهود است.

آیا «رضاپهلوی» که متقاضی و التیماتوم دهنده نامه معرفی شده، سمت نمایندگی از زنان ایران خاصه آن سه خانم نامبرده شده در اعلامیه را دارند؟ البته که ندارند ولی **اعلیحضرت رضا شاه دوم** بموجب سنت تاریخی و حقانیت تداوم سلطنت این حق را برای خود مسلم میدارند که با انتخاب **دولت موقت** آن دولت موقت به چنین درخواستی از کمیسیون مزبور مبادرت نماید (قانون و حقوق سلطنت ایران).

درست است که کمیسیون مزبور بمناسبت موجودیت حقوقی جمهوری اسلامی و عضویت آن در سازمان ملل متحد نمیتواند به نمایندگی دولت موقت از ملت ایران اعتبار بدهد ولی این مورد باموردی که انسان هیچ ارتباط و منشاء حقوقی برای موقعیت خود قائل نباشد و بعد بنام نمایندگی از چیزی که نمایندگی آنرا ندارد اقدام کند فرق بسیار دارد. در کیفیت اول کمیسیون و یادول در این حد به نماینده دولت موقت شانس میدهند که حرفش را بزند و ثابت کند که دارای موقعیت حقوقی معتبر است و باز این موقعیت برایش بوجود میاید که بحث حقانیت و مشروعیت دولت موقت و عدم مشروعیت و غاصبت جمهوری اسلامی بعنوان یک موضوع سیاسی روز مطرح جوامع گردد و باتوجه به مخالفت اصولی کشورها با جمهوری

اسلامی زمینه ای برای حضور معنائی دولت موقت در مراجع جهانی فراهم شود و همین بزرگترین موفقیت مبارزاتی است. در صورتی که نحوه عمل و برخورد با کمسیون و یا دول، بدون هیچ پشتوانه حقوقی، قضیه رامصادق فضولی و عمل خودسرانه میسازد و در این مورد اساسا مدعی و یا متقاضی قابل تحویل گرفتن نیست (دقیقا وضعیتی که منطبق با بیانیه منتسب به اعلیحضرت است).

اگر دولت و یا کمسیون حقیقتا در جهت آزادی و دموکراسی فعال باشد به نماینده دولت موقت امکان فعالیت بیشتر میدهد ولی بر فرض که دولت و یا اعضای کمسیون مخالف فعالیت های جمهوری اسلامی باشند نمیتوانند به شخصی که خودسرانه خود را نماینده یک ملت معرفی میکند میدان بدهند.

یکی از حکما گفته است: «کسی که حق خود را نمیشناسد چگونه میتواند به حق دیگران برسد» انسان در محدوده تکلیفی که قانون برایش مقرر کرده حق دارد و آن حق محترم و قابل رسیدگی است، کسیکه به وظائف قانونی و سوگند خود وفادار نیست و خودش به میل خود برای خودش تکلیف دلخواه خودش را آنهم زیبایی نه ارادی معلوم میکند و بران هم استواری ندارد که نمیتواند انتظار داشته باشد که دیگران به درخواستهای او آنهم بنمایندگی از ملتها توجه کنند.

اگر اعلیحضرت در موقعیت حقوقی تداوم سلطنت قرار دارند که دارند این چنین درخواستها و یا التیماتوم دادن ها از وظایف ایشان نیست و مطلقا از وظایف دولت منتخب ایشان است و اگر یکطرفه ترک هویت نهادی سلطنت و سوگند پادشاهی فرموده اند و با این تمرد، شهروندی عادی را جایگزین حقوق سلطنت گرفته اند که درخواستشان از کمسیون مزبور و یا التیماتوم به دول کاری سبک و درخور استهزاء است و کارشان مصادق همان ضرب المثل «اول برادریت را.....»

دولت موقت بازرگان وقتی به دستور خمینی تشکیل شد اعلامیه داد که «کشورهائی که با رژیم ایران قطع رابطه نکنند جانی در جمهوری اسلامی نخواهند داشت» و متعاقب همین تشکیل دولت موقت بود که کشورهائی وزودتراز همه لیبی دولت موقت را برسمیت شناخت و کارمندان دولت و وزرای بختیار را به وزارت خانه هاراه ندادند.